

## تبعیض ژنتیکی در نظام حقوقی کانادا و ایران

ناهید جوانمرادی<sup>۱</sup> - وحید نظری<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۷/۲۸ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۸/۱۵

### چکیده

اطلاعات ژنتیکی و استفاده از آن، تغییرات عمیقی در برنامه‌های عملی علم ژنتیک و کارکردهای آن به وجود آورده است. از جمله این تغییرات، ظهور «پزشکی شخصی» در مفهوم هماهنگ کردن درمان با بیمار، بر اساس ویژگی‌های ژنتیکی آن است. این نوع پزشکی، علاوه بر ارائه خدمات سلامتی و بهداشتی دقیق با استفاده از ژنتیک بیماران که انتخاب بهترین دارو و درمان را ممکن می‌سازد؛ امکان استفاده از اطلاعات ژنتیکی را به عنوان عاملی برای اعمال تبعیض، بویژه در رابطه با اشتغال و بیمه، در کشورهای صاحب این دانش به دنبال داشته و در نتیجه مقابله با این شکل از تبعیض را ضروری می‌نماید. این نوشتار پس از اشاره‌ای مختصر به تدابیر بین‌المللی اتخاذ شده در جهت منع تبعیض بر اساس داده‌های ژنتیکی افراد، به بررسی نحوه برخورد نظام حقوقی کانادا و ایران با تبعیض ژنتیکی می‌پردازد.

**واژگان کلیدی:** ژنوم انسانی، داده‌های ژنتیکی، تبعیض ژنتیکی، پزشکی شخصی، تبعیض ناروا.

njavanmoradi@yahoo.fr

۱. استادیار حقوق خصوصی دانشگاه علامه طباطبائی

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)

vahid.nazari1990@gmail.com

## ۱. مقدمه

آزمایش‌های ژنتیکی که بر اساس تجزیه و تحلیل کروموزوم‌ها، ژن‌ها یا محصولات ژنتیک (پروتئین‌های) یک فرد، به منظور شناسایی ویژگی‌های خاص وی انجام می‌شود، می‌تواند به تشخیص بیماری‌های ژنتیکی (از طریق تست آزمایش‌های تشخیصی) یا شناسایی و پیشبینی استعداد و آمادگی برای ابتلا به یک بیماری ژنتیکی (از طریق تست آزمایش‌های پیشبینی‌کننده)، کمک نماید. بنابراین، داده‌های ژنتیکی حاصل از این گونه آزمایش‌ها می‌تواند به‌عنوان مثال؛ فرد را به سمت درمان پیش از موعد (جلوگیری از ابتلا به بیماری) هدایت کند یا با اتخاذ شیوه خاص زندگی، آسیب‌های ناشی از بیماری‌های ژنتیکی را به حداقل برساند. همچنین این آزمایش‌ها می‌تواند انتخاب در «دارو درمانی» را به جهت معینی سوق دهد یا آشکار سازد که چه بیماری‌هایی را می‌توان از طریق «درمان ژنتیکی» بهبود بخشید یا با اعمال مداخله از طریق جابجایی، اصلاح یا حذف یک یا چند ژن معیوب با استفاده از تکنیک‌های مختلف، به درمان ژنتیکی کمک کند که این امر منتهی به «هماهنگی درمان با بیمار» خواهد شد. چنین هماهنگی‌ای بر اساس مشخصات ژنتیکی بیماران و بنابراین بهبود نتایج درمان و افزایش راندمان آن، دولت‌ها را به سمت سرمایه‌گذاری در حوزه جدیدی تحت عنوان «پزشکی شخصی»<sup>۱</sup> هدایت می‌کند (Joly et al, 2010: 351 à 368). با این حال، اطلاعات ژنتیکی تیغه‌ای دو لبه بوده که می‌تواند تبدیل به وسیله‌ای برای تبعیض شود (عباسی، حیدری و صفری علی قیارلو، ۱۳۹۵: ۶۱-۶۲). به عنوان مثال؛ آزمایش ژنتیکی می‌تواند نشان دهد که یک شخص در صورت عدم سلامت یا بیماری یا خطر دیگری از این قبیل، نیاز به برخورداری از مراقبت‌های پیشرفته پزشکی دارد یا اینکه به دلیل یک وضعیت ارثی قادر به کار کردن یا انجام فعالیت خاص نخواهد بود. بنابراین چنین اطلاعاتی می‌تواند تصمیمات مربوط به اشتغال و بیمه را به شدت تحت تأثیر قرار دهد. اگر متقاضی بیمه (بیمه‌گذار) با مبتلا شدن به یک نوع بیماری، خطر بالاتری را به دنبال داشته باشد، بیمه‌گر نیز در معرض خطر بالاتری از لحاظ جبران خسارت و پرداخت غرامات قرار می‌گیرد، چیزی که می‌تواند در تعیین شرایط پیشنهاد شده از طرف بیمه‌گر، موثر باشد. به طور مشابه، کارفرما نیز می‌تواند در استخدام کارگری که به دلیل وضعیت ژنتیکی در معرض خطر و ریسک قرار دارد، تردید کرده و تمایلی نداشته باشد (عباسی، حیدری و صفری علی قیارلو، ۱۳۹۵: ۶۲).

اگرچه هنوز مردم و بویژه جوامع جهان سوم، شدت و فزونی نتایج قانونی و اخلاقی آزمایش‌های ژنتیکی در مورد اشتغال، بیمه و پیشبینی‌های پزشکی را نادیده می‌گیرند، با این حال بهانه‌های تبعیض ژنتیکی در جهان رو به فزونی است و شهروندان از نظر فشار این تبعیض‌ها، نگران بوده (Joly, 2012: 115 - Meyers, 2012: 48) و از دولت‌ها خواستار اقدام در این خصوص هستند (Schmitz & Wiesing, 2006: 24 - Reitz & S. Malan, 2010: 54). تا جایی که به عنوان نمونه؛ رسانه‌های کانادایی از موارد تبعیض در بخشی از شرکت‌های بیمه در برابر متقاضیانی که از اختلالات ژنتیکی رنج می‌برند، خبر دادند (Hall, 2009: 78). این شواهد و دلایل، به کمیته دائمی سنای حقوق بشر کانادا اعلام کرد که بیماران ادعا می‌کنند قربانی تبعیض ژنتیکی شده‌اند و اینکه این بیماران از ترس تبعیض در شرکت‌های بیمه از انجام آزمایش‌های ژنتیکی که می‌تواند برای درمان آنها مفید و قابل استفاده باشد، امتناع می‌نمایند (Bombard et Cohn, 2014: 35).

در جهت مقابله با این شکل از تبعیض، برخی از کشورها مانند ایالات متحده آمریکا، استرالیا و بعضی از کشورهای اتحادیه اروپا، اقدامات قانونی صریحی اتخاذ کرده‌اند. با این حال در بسیاری از نظام‌های حقوقی مانند ایران و کانادا، اگرچه اصول کلی حقوقی و قوانین مبنایی مانند قوانین حقوق بشر، بیمه و حفظ اطلاعات و حریم شخصی شامل مقرراتی است که تبعیض ناروا را به حداقل آن می‌رساند و از افشا یا استفاده نادرست اطلاعات شخصی جلوگیری می‌کند، با این حال، هیچ قانونی آشکارا و صریحا از افراد در مقابل تبعیض ژنتیکی حمایت نمی‌کند.

بنابراین پس از اشاره‌ای مختصر به تدابیر بین‌المللی در مقابله با تبعیض ژنتیکی، به دلیل قرابت تقنینی نظام حقوقی ایران با نظام حقوقی کانادا در خصوص تبعیض ژنتیکی (فقدان مقررات صریح در این مورد)، شرح قوانین قابل اجرای کانادا در این حوزه با دید تطبیقی با نظام حقوقی ایران ارائه می‌شود. چه این که یکی از شرایط لازم برای هر تفکر علمی از جمله وضع قانون آینده، اندیشیدن درباره آثار دور و نزدیک حکم، بویژه با توجه به تجربه دیگر نظام‌ها است.

## ۲. برخی از تدابیر بین‌المللی جهت مقابله با تبعیض ژنتیکی

در سال ۱۹۹۰، پروژه ژنوم انسانی؛ یک کار تحقیقاتی علمی با گستره بین‌المللی، اجازه پیدا می‌کند توالی کامل ژنوم انسانی را برپا دارد. انتشار یافته‌های منتج شده از این پروژه، نگرانی‌های جدی در مورد مسائل اخلاقی و حقوقی مربوط به آزمایش ژنتیکی، دستکاری ژنتیکی و تبعیض

ژنتیکی به وجود می‌آورد که موجب تصویب قوانین، اعلامیه‌ها و معاهدات بین‌المللی در دهه بعدی می‌شود.

متعاقب این اقدام، سازمان یونسکو از تمامی کشورها درخواست می‌کند علیه تبعیض بر اساس داده‌ها یا ویژگی‌های ژنتیکی، قانون وضع کنند و در سال ۱۹۹۷، اعلامیه جهانی ژنوم انسانی و حقوق بشر<sup>۱</sup> را تصویب تا علاوه بر تلاش برای محافظت از ژنوم انسانی، در برابر دستکاری نامناسب که می‌تواند هویت و تمامیت فیزیکی نسل‌های آینده را توافقی کند (انتخاب فرزند از روی کاتالوگ، تعیین جنسیت و سایر ویژگی‌های فرزند آینده از طریق دستکاری ژنتیکی و از همه مهم‌تر شبیه‌سازی انسان و ....) راه‌کاری ارائه دهد و همچنین برای جلوگیری از تبعیضات ژنتیکی و استفاده از اطلاعات ژنتیکی به شیوه‌ای که کرامت انسانی و حقوق بشر را تضعیف کند، چاره‌ای بیندیشد. در همین راستا، اعلامیه بین‌المللی داده‌های ژنتیک انسانی مصوب ۲۰۰۳ یونسکو<sup>۲</sup> نیز اصول اخلاقی را که بایستی در استفاده از داده‌های ژنتیک انسانی، حاکم باشد بیان کرده و تلاش می‌کند اطمینان حاصل کند تا: «(داده‌های ژنتیکی) به شیوه‌ای تبعیض‌آمیز با هدف یا اثر نقض حقوق بشر، آزادی‌های اساسی یا کرامت انسانی یک فرد یا برای مقاصدی که منجر به بدنامی یک فرد، یک خانواده، یک گروه یا جوامع بشود، مورد استفاده قرار نگیرد».

در اروپا نیز، بسیاری از کشورهای عضو شورای اروپا کنوانسیون حقوق بشر و بیومدسن<sup>۳</sup> را امضا کرده‌اند. اگرچه هنوز تمامی این کشورها آن را تصویب نکرده‌اند، با این حال، کشورهای امضاکننده بایستی قوانین خود را بر اساس اصول تنظیم شده در کنوانسیون ایجاد کنند. ماده ۱۱ کنوانسیون، به‌طور کلی «هر شکلی از تبعیض علیه یک شخص به دلیل میراث ژنتیکی» را منع می‌کند (Somek, 2003: 35 à 43).

علاوه بر این در تاریخ ۷ می سال ۲۰۰۸، کمیته وزرای شورای اروپا، پروتکل متمم کنوانسیون حقوق بشر و بیومدسن<sup>۴</sup>، مربوط به آزمایش‌های ژنتیکی برای مقاصد پزشکی را تصویب کرد که مفاد کنوانسیون، مربوط به آزمایش‌های ژنتیکی در مورد تعریف و محافظت از حقوق پیش‌بینی

1. Organisation des Nations Unies pour l'éducation, la science et la culture (UNESCO), Déclaration universelle sur le génome humain et les droits de l'homme, 11 novembre 1997.

2. UNESCO, Déclaration internationale sur les données génétiques humaines, 16 octobre 2003.

3. Conseil de l'Europe, Convention pour la protection des Droits de l'Homme et de la dignité de l'être humain à l'égard des applications de la biologie et de la médecine : Convention sur les Droits de l'Homme et la biomédecine, STCE no 164.

4. Conseil de l'Europe, Protocole additionnel à la Convention sur les Droits de l'Homme et la biomédecine relatif aux tests génétiques à des fins médicales, STCE no 203.

شده در کنوانسیون را گسترش داد. تا به امروز، تنها چند کشور پروتکل مذکور را امضا و تصویب کرده‌اند.

در این میان کشورهایی که قوانینی برای مبارزه علیه تبعیض ژنتیکی وضع کرده‌اند رویکردهای متفاوتی اتخاذ نموده‌اند. برخی از این کشورها برای نیل به هدف مذکور، محدودیت‌هایی در آزادی قراردادی در حوزه اشتغال و بیمه، تعریف کرده‌اند<sup>۱</sup> : (Lemmens, 2003: 41 à 86 - voir aussi Lemmens, 2010: 2 à 8). برای مثال، این کشورها تبعیض بر اساس ویژگی‌های ژنتیکی را به موارد "تبعیض ممنوع و مغایر با قانون"، اضافه کرده‌اند<sup>۲</sup> یا قواعد حقوقی‌ای را تصویب کرده‌اند که به طور خاص به بیمه‌گران و کارفرمایان تحمیل می‌شود. بنابراین، در برخی از کشورها، بیمه‌گران و کارفرمایان از اینکه از مراجعه‌کننده تقاضا کنند آزمایش ژنتیکی انجام دهد و یا اینکه نتیجه

۱. کشور فرانسه در بازنگری تقنینی در سال ۱۹۹۹، برخی اصلاحات و تغییراتی در قوانین خود به منظور هماهنگ کردن آنها با اصول کلی ممنوعیت اعمال تبعیض بر اساس ویژگی‌های ژنتیکی اتخاذ کرد. همچنین، قوانین حاکم بر اشتغال و کار (Code du travail, L1132-1)، بهداشت و سلامت (Code de la santé publique, L1141-1)، حقوق کیفری و بیمه و حقوق مدنی، در مورد تنظیم تمامی فرایندها و روش‌های آزمایشات ژنتیکی، از آزمایش‌های اولیه برای امضای یک قرارداد تا اتمام تعهدات قراردادی، اصلاح شدند. قوانین جدید منعکس‌کننده یک رویکرد بسیار محدودکننده است که هرگونه استفاده غیر مجاز از اطلاعات ژنتیکی را به وسیله بیمه‌گران و کارفرمایان، ممنوع می‌کند. این اصلاحات در درجه اول، تبعیض بر اساس ویژگی‌های ژنتیکی را ممنوع می‌کند (Code civil, article 16-13)، همچنین بیان می‌کند که آزمایش‌های ژنتیکی صرفاً به دلایل پزشکی یا علمی با ارزش، قابل انجام است (Code de la santé publique, R1131-1) و مجازات‌هایی را برای استفاده از اطلاعات ژنتیکی در دیگر اهداف پیش‌بینی می‌کند (Code civil, 16-1) (Code de la santé publique, R1131-1 and Code de la santé publique, 10). به عنوان مثال، کد پنال فرانسه مقرر می‌دارد: استفاده از اطلاعات مربوط به یک شخص که از بررسی و آزمایش مشخصات ژنتیکی وی به دست آمده، در مقاصد غیر از پزشکی یا تحقیقات علمی، مجازات یک سال حبس و جریمه نقدی به میزان ۱۵۰۰۰ یورو را به دنبال خواهد داشت (Code pénal, article 226-26).

۲. به عنوان نمونه می‌توان از ایالات متحده آمریکا نام برد. ایالات متحده در سال ۲۰۰۸ قانون «عدم تبعیض اطلاعات ژنتیکی» (Genetic Information Nondiscrimination Act of 2008) را تصویب کرد که به اختصار GINA نامیده می‌شود. این قانون تمامی جنبه‌های تبعیض بر اساس اطلاعات ژنتیکی را برای کارفرمایان، آژانس‌های کارایی و سندیکاها (art. 202) و همچنین استفاده از اطلاعات ژنتیکی برای محدود کردن یا رده‌بندی کردن اشخاص به روشی که به موقعیت وی آسیب برساند یا وی را از یک موقعیت شغلی محروم نماید، ممنوع می‌کند. GINA به روشنی بیان می‌کند که ارائه‌دهنده بیمه درمانی نمی‌تواند از متقاضی بیمه، تقاضای آزمایش ژنتیکی کند (art. 101) و وی نمی‌تواند در اعمال بیمه درمانی خود «محرومیت بر اساس شرایطی که از پیش به دلیل اطلاعات ژنتیکی متقاضی وجود داشته» تحمیل کند (art. 101) و همچنین ارائه‌دهنده بیمه درمانی نمی‌تواند بر اساس شرایط از پیش موجود، برخی از مزایای بیمه‌ای را استثنا نماید. با این حال ایراد قانون مزبور این است که چون GINA ارائه‌دهنده بیمه درمانی را از به دست آوردن یا استفاده از نتایج آزمایش ژنتیکی برای تعیین میزان حق بیمه منع نمی‌کند، به نظر می‌رسد که نتایج آزمایش‌های ژنتیکی می‌توانند به منظور محاسبه میزان حق بیمه قابل پرداخت به وسیله بیمه‌گذاران، بر اساس چگونگی داده‌های آنان، مورد استفاده قرار گیرد. لیکن حداقل اطلاعات لازم برای رسیدن به هدف اشاره شده، می‌تواند شامل فرض مذکور باشد. به عبارت دیگر حتی اگر قائل به مجوز مزبور در استفاده از داده‌های ژنتیکی باشیم، این جواز بایستی به دلیل استثنا بودن، تفسیر بسیار محدود و مضیق شود.

آزمایشات ژنتیکی قبلی را ارائه کند، منع شده‌اند. در برخی موارد نیز استفاده از نتایج آزمایش‌های ژنتیکی به روشی که علیه مراجعه‌کننده تبعیض‌آمیز باشد، ممنوع است (مانند استفاده از داده‌های ژنتیکی در تعیین میزان حق بیمه‌ای که بایستی بیمه شده پرداخت نماید یا استفاده از این داده‌ها در تخصیص وظایف خاص به کارمند یا کارگری که استخدام می‌شود).

برخی کشورها نیز روش، "تصویب محدودیت‌ها و چارچوب‌های قانونی"، به منظور حمایت هرچه بیشتر از اطلاعات شخصی از طریق ممنوعیت جمع‌آوری، استفاده و داد و ستد داده‌های ژنتیکی بدون رضایت آزمودنی<sup>۱</sup> با حفظ برخی از موارد استثنایی را برگزیده‌اند. بعضی از کشورها هم، قوانینی برای حمایت از حقوق بیماران تصویب کرده‌اند و به آنها حق نگهداری و حفاظت از استفاده‌هایی (از داده‌های ژنتیکی) که به اطلاعات مربوط به وضعیت سلامت آنها مرتبط می‌شود را اعطا کرده‌اند (Commission européenne, Recherche communautaire, 2002).

پس از بیان مختصری از تدابیر بین‌المللی در خصوص مقابله با تبعیض ژنتیکی<sup>۲</sup> به شرحی که گذشت به بررسی رویکرد نظام حقوقی کانادا و ایران در این مورد پرداخته و سعی در تجزیه و تحلیل این رویکردها می‌شود.

### ۳. رویکرد نظام حقوقی کانادا و ایران در مقابله با تبعیض ژنتیکی

هیچ قانون کانادایی به طور صریح تبعیض ژنتیکی را عنوان نمی‌کند. تا به حال هیچ دادگاه کانادایی تصمیم دقیقی که دامنه حمایت قانونی و قضایی را در این خصوص که با استفاده از آن مردم کانادا بتوانند در ارتباط با تبعیض ژنتیکی، حقوقی داشته باشند، اتخاذ نکرده است. با این حال، حقوق اساسی حمایت شده به وسیله قانون و تفسیر آن، اجازه داده است تا برخی فرضیات در خصوص روش‌هایی که دادگاه‌ها در مواقع برخورد با تبعیض ژنتیکی بتوانند اعمال کنند، به وجود بیاید. تا جایی که در سال ۲۰۱۳ گروهی دانشگاهی در کانادا وضعیت حقوق اشخاص را در زمینه تبعیض ژنتیکی بررسی کرده و به این نتیجه رسیدند که حتی اگر تا به حال هیچ تصمیمی در خصوص این سوژه اتخاذ نشده باشد، «این بدان معنا نیست» که در کانادا مشکل تبعیض ژنتیکی

۱. منظور از آزمودنی؛ شخصی است که در آزمایش‌های ژنتیکی، داده‌های ژنتیکی از ژنوم وی به دست می‌آید. برای اطلاعات بیشتر در این خصوص مراجعه کنید به: نظری، وحید، (۱۳۹۵)، مبانی اخلاقی و حقوقی داده‌های ژنتیکی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، .

۲. برای مطالعه بیشتر پیرامون اقدامات بین‌المللی در این حوزه ر.ک: عباسی، محمود و حیدری، بهاره و صفری علی قیارلو، هاجر، (۱۳۹۵)، «تلاش‌های بین‌المللی جهت جلوگیری از تبعیض ژنتیکی»، فصلنامه حقوق پزشکی، سال دهم، شماره ۳۷.

وجود ندارد و اتفاق نمی‌افتد: Elizabeth A. Adjin-Tettey, 2013: 1 à 65 – Finkler et Al, 2013: 614 à 577). محققان نشان دادند که ۴۶۸ تصمیم قضایی راجع به موضوع استعداد ژنتیکی در زمینه «توصیف فاکتورهای ریشه‌ای و مبنایی نسبت به مسائل بهداشتی و سلامتی» در سال ۲۰۱۳ اتخاذ شده است و این امر در حوزه‌های مختلف حقوق بویژه حقوق کیفری، حقوق خانواده، حقوق کار (جبران خسارات حوادث ناشی از کار) و مسئولیت ناشی از شبه‌جرم بوده است. به عنوان مثال در برخی موارد، «پیش زمینه و آمادگی ژنتیکی به منظور ارزیابی و برآورد این مسأله ملحوظ نظر واقع شده که مسائل و مشکلات بهداشتی مدعی، به دلیل ویژگی وراثتی بوده و ارتباطی به شرایط کار یا قصور و اهمال متهم (خواننده) نداشته»، همچنین «به منظور تشریح مبنا و ریشه مشکل روانی شخص در حوزه تعیین مسئولیت کیفری، داده‌های ژنتیکی، مورد استفاده قرار گرفته است»، بنابراین تجزیه و تحلیل رویه قضایی در کانادا، تمایل به در نظر گرفتن عوامل ژنتیکی را در مسائل حقوقی نشان می‌دهد. چیزی که می‌تواند، دست کم منجر به پیچیدگی عوامل علی و معلولی بیماری و نقش عوامل موثر اجتماعی در سلامت و ناتوانی اشخاص و نهایتاً نقش تمامی موارد مذکور در برخورد حقوقی با این اشخاص شود. در نظام حقوقی ایران نیز وضع به همین منوال است زیرا نه تنها تبعیض ژنتیکی، عنوان صریحی در هیچ یک از قوانین ندارد، بلکه داده‌های ژنتیکی و موارد استفاده از این داده‌ها و حتی نحوه و چگونگی حمایت از این داده‌ها، آنچنانی که بایسته است مورد تجزیه و تحلیل قرار نگرفته<sup>۱</sup> و به همین صورت، اثری در رویه قضایی نیز دیده نمی‌شود. لذا به منظور استخراج قواعد در نظام حقوقی ایران، استناد به عموماً مطرح شده بویژه در قانون اساسی و قوانین بیمه و کار گریزناپذیر می‌باشد. اینک به بررسی و تفسیر برخی از قوانین مرتبط با تبعیض ژنتیکی در نظام حقوقی کانادا، با نگاه تطبیقی به نظام حقوقی ایران پرداخته می‌شود.

### الف) قوانین مربوط به حقوق بشر

در کانادا به طور اساسی و در درجه اول، تبعیض در قوانین فدرال، ایالتی و استانی در خصوص حقوق بشر، جلوه می‌کند. از آنجائیکه «حقوق بشر» صراحتاً در فهرست رئوس صلاحیت‌های

۱. در حوزه ژنتیک، عمده مباحث مطرح در نظام حقوقی ایران، ذیل عنوان «شبه‌سازی انسانی» و نظرات موافق و مخالف پیرامون آن بوده است. در این زمینه می‌توان به مجموعه مقالات «اخلاق زیستی (بیو اتیک) از منظر حقوقی، فلسفی و عملی»، انتشارات سمت ۱۳۸۴ اشاره کرد. در خصوص مبانی و نحوه حمایت از داده‌های ژنتیکی از منظر فلسفه اخلاق و فلسفه حقوق مراجعه کنید به: نظری، وحید، پیشین.

شمرده شده در مواد ۹۱ و ۹۲ قانون اساسی کانادا، بیان نشده است، دولت فدرال و دولت‌های ایالتی و استانی، قوانینی در خصوص مسائلی که در حیطه صلاحیتشان قرار دارد، تصویب نموده‌اند.<sup>۱</sup>

اگرچه قوانین مختلف کانادا در خصوص حقوق بشر، از برخی جنبه‌ها متفاوت هستند با این حال، اصول و مکانیسم اجرایی آنها یکسان می‌باشد. تمامی قوانین تبعیض بر اساس عواملی مانند: نژاد، جنسیت، مذهب، سن، ناتوانی و عیب در خصوص اشتغال، مسکن و خدمات عمومی را ممنوع کرده‌اند.

قانون حقوق بشر کانادا LCDP<sup>۲</sup> در بخش فدرال، مهم‌ترین قانون مربوط به حقوق بشر می‌باشد. این قانون به طور کلی در ادارات، سازمان‌ها، ایالات فدرال و شرکت‌های تابع مقررات فدرال اجرا می‌شود. منشور کانادایی حقوق و آزادی، که بخشی از قانون اساسی کانادا را تشکیل می‌دهد، همچنین شامل مقرراتی در مورد مبارزه علیه تبعیض می‌باشد. بند ۱۵ قانون مذکور بیان می‌کند: «قانون مزیت و برتری بر اشخاص (نسبت به یکدیگر) قائل نیست و به صورت برابر نسبت به همه اجرا می‌شود و تمامی اشخاص از حمایت یکسان برخوردارند و به صورت یکسان از قانون بهره‌مند هستند و از هرگونه تبعیض بویژه تبعیض بر اساس نژاد، خاستگاه ملی یا قومی، رنگ، مذهب، جنسیت، سن یا ناتوانی‌های جسمی یا فیزیکی، مصون می‌باشند». در تفسیر همین بند، دیوان عالی کانادا به این نتیجه رسید؛ این لیست از عوامل تبعیض غیرقانونی که «عوامل شماره شده»<sup>۳</sup> نامیده می‌شود، شامل یک لیست جامع نمی‌باشد. بنابراین دیگر عوامل؛ ذیل عنوان «عوامل

۱. بر اساس مواد ۹۱ و ۹۲ قانون اساسی کانادا، دولت‌های فدرال در این خصوص دارای صلاحیت‌هایی می‌باشند که می‌توان به شرح ذیل بیان کرد:

«Aux termes de l'art. 92, les provinces peuvent adopter des lois dans les domaines suivants : « la propriété et les droits civils », les « licences de boutiques » et « autres licences », et « généralement toutes les matières d'une nature purement locale ou privée dans la province ». Ces pouvoirs permettent aux provinces d'adopter des lois sur les droits de la personne concernant toute question liée à la prestation de services, à l'emploi et à l'hébergement dans la province. Par conséquent, ces lois régissent entre autres les entreprises enregistrées ou constituées en vertu d'une loi provinciale; les propriétaires; les fonctionnaires et organismes du gouvernement provincial; les employeurs; les fournisseurs de services en général. Aux termes de l'art. 91, les lois fédérales peuvent s'appliquer à la, "réglementation du trafic et du commerce" ou promouvoir de façon générale "la paix, l'ordre et le bon gouvernement". Ainsi, la Loi canadienne sur les droits de la personne régit l'emploi, l'hébergement et les services offerts par le gouvernement fédéral, et elle englobe également les sociétés sous réglementation fédérale ainsi que les autres personnes ou établissements sous réglementation fédérale.»

2. Loi canadienne sur le droit de la personne.  
3. Motifs Enumeres



مشابه<sup>۱</sup> نیز، بایستی به حساب آمده و در لیست مزبور محاسبه شوند (استفاده از عبارت «بویژه» در بند مزبور، قابلیت چنین برداشتی را به دیوان عالی کانادا می‌دهد). تا به حال عوامل شهروندی، گرایش جنسی، وضعیت تأهل، بومی بودن و اقامت به عنوان عوامل مشابه شناسایی و به رسمیت شناخته شده است.

نکته حائز اهمیت در تفسیر بند مزبور این است که دیوان عالی معتقد است، معیار اصلی در تعیین عامل شماره شده یا مشابه، یک ویژگی شخصیتی «تغییرناپذیر، به سختی قابل تغییر یا قابل تغییر صرفاً با هزینه شخصی غیرقابل پذیرش» است. یعنی اگر عاملی از چنین ویژگی‌هایی برخوردار باشد، می‌تواند به عنوان عامل مشابه در زمره موارد تبعیض ناروا و غیرقانونی محاسبه شود. حال باید دید که آیا از نظر رویه قضایی، تبعیض بر اساس داده‌های ژنتیکی از چنین ویژگی‌هایی برخوردار است تا بتواند ذیل عنوان «عوامل مشابه» مورد نهي و ممنوعیت قرار گیرد؟ بنابراین در حال حاضر صرفاً می‌توان احتمال داد که محاکم کانادا در صورتی بتوانند با تبعیض ژنتیکی مقابله کنند، هیچگونه تصمیم قضایی به طور مستقیم به این پرسش؛ آیا ویژگی ژنتیکی، یک عامل غیرقانونی تبعیض (به عنوان یک عامل مشابه) محسوب می‌شود یا خیر؟ پاسخ منفی نداده باشد. اگر قبلاً پرونده‌ای در خصوص تبعیض ژنتیکی به وسیله محکمه‌ای، قضاوت شده باشد، شاکی (مدعی) می‌تواند استدلال کند که «ویژگی‌های ژنتیکی»، به عنوان یک عامل مشابه از جمله مصادیق تبعیض غیرقانونی به شمار می‌رود. محکمه همچنین می‌تواند نتیجه بگیرد در چنین مواردی، عوامل «ناتوانی ذهنی یا فیزیکی» یا «معلولیت» که در قوانین حقوق بشر به عنوان مصداقی از تبعیض ناروا بیان شده، در برخی از بیماری‌های ژنتیکی به عنوان عاملی برای تبعیض، اعمال می‌شوند.

طی ۱۵ سال گذشته، چندین پیشنهاد برای اصلاح قانون کانادا در خصوص حقوق بشر و به طور روشن علیه اعمال ویژگی‌های ژنتیکی به عنوان عاملی غیرقانونی تبعیض در سطح فدرال، مطرح شده است. در سال ۲۰۰۰ کمیته بررسی قانون حقوق بشر کانادا، ایجاد شده توسط وزیر دادگستری فدرال، توصیه می‌کند که تعریف «ناتوانی» در این قانون، اصلاح و شامل «استعداد و آمادگی ناتوانی و معلولیت»، به دلیل پاسخگویی به نگرانی‌های مطرح شده در خصوص تبعیض ژنتیکی، نیز بشود.<sup>۲</sup>

1. Motifs Analogues

2. Comité de révision de la Loi canadienne sur les droits de la personne, recommandation 119, juin 2000

در سال ۲۰۱۰ نیز، Judy Wagylycia-leis et Bill Siksay و همچنین نمایندگان مجلس، لویجی را در زمینه اصلاح قانون حقوق بشر کانادا به دلیل اضافه کردن «ویژگی‌های ژنتیکی» به فهرست عوامل تبعیض غیرقانونی، ارائه کردند. با این حال لویجی C-508<sup>۱</sup> و C-536<sup>۲</sup>، هر دو تحت عنوان «قانون اصلاح قانون حقوق بشر کانادا»، در چهلمین دوره قانون‌گذاری، پشت سر هم رد شدند. اخیراً دو لایحه طی چهل و یکمین دوره قانون‌گذاری معرفی شده است. لایحه‌های C-445<sup>۳</sup> و S-201<sup>۴</sup> که به ترتیب توسط Libby Davies و Senator James S. Cowan ارائه شده، به سوال‌های مرتبط با ویژگی‌های ژنتیکی در تبعیض غیرقانونی نزدیک می‌شوند. به این صورت که هر دو لایحه شامل پیشنهاد اضافه کردن «ویژگی‌های ژنتیکی» به قانون حقوق بشر کانادا می‌باشد لیکن لایحه S-201 فراتر از این است. لایحه اخیر مواد جدیدی را به قانون کار کانادا اضافه می‌کند، از قبیل مقررات در خصوص اشتغال در مناطق تحت حوزه قضایی فدرال، مقررات مرتبط با حمایت از کارگران در برابر اجبار به انجام آزمایش ژنتیکی یا اعلام نتایج آزمایش ژنتیکی قبلاً انجام شده و ممنوعیت کارفرمایان در اخراج، جریمه یا نپرداختن حقوق به کارگران به دلیل نتایج ژنتیکی یا به این دلیل که کارمند، انجام آزمایش ژنتیکی را نپذیرفته یا نتایج آزمایش انجام شده قبلی را ارائه نداده است.<sup>۵</sup>

لایحه S-201 همچنین مجازات‌های کیفری علیه برخی اقدامات ارائه می‌دهد، اقداماتی از قبیل تقاضای انجام آزمایش ژنتیکی یا افشای نتایج آزمایش ژنتیکی قبلی به عنوان پیش شرط: «الف) ارائه کالاها یا خدمات؛ ب) جهت منعقد کردن یا نگهداشتن یک قرارداد یا یک توافق؛ ج) ارائه یا حفظ شرایط خاص یک قرارداد یا یک توافق».

با این وجود در *انتاریو* (Ontario) لایحه ۱۲۷، «ویژگی ژنتیکی» را به لیست عوامل تبعیض

1. Projet de loi C-508 : Loi modifiant la Loi canadienne sur les droits de la personne (caractéristiques génétiques), 3e session, 40e législature.

2. Projet de loi C-536, Loi modifiant la Loi canadienne sur les droits de la personne (caractéristiques génétiques), 3e session, 40e législature.

3. Projet de loi C-445 : Loi modifiant la Loi canadienne sur les droits de la personne (caractéristiques génétiques), 2e session, 41e législature. Le projet de loi C 445 a été présenté par la députée Libby Davies le 1er octobre 2012 durant la 41e législature; il a été rétabli le 16 octobre 2013.

4. Projet de loi S-201 : Loi sur la non-discrimination génétique, 2e session, 41e législature.

۵. بخشی از لایحه اخیر مقرر می‌دارد:

“De plus, personne ne serait autorisé à communiquer à l’employeur les résultats d’un test génétique d’un employé, ou le fait qu’un employé a subi un tel test, et l’employeur ne pourrait ni recevoir ni utiliser les résultats de tels tests sans l’autorisation écrite de l’employé. Le projet de loi propose aussi des mécanismes de gestion des plaintes pour les employés qui estiment avoir été victimes de discrimination”.

غیرقانونی که در کد حقوق بشر این استان شمارش شده‌اند، اضافه کرده است.<sup>۱</sup> تفسیر فوق که از قانون اساسی و حقوق بشر کانادا به عمل آمد، بیانگر این نکته است که در این کشور مواردی به عنوان تبعیض غیرقانونی و ناروا ذیل «موارد شماره شده» در قانون اساسی وجود داشته و نظریه پردازان این کشور تا تصویب مقررات صریح در خصوص ممنوعیت تبعیض ژنتیکی، به دنبال تبیین مبانی «موارد شماره شده»، تطبیق آن با تبعیض ژنتیکی و در نتیجه اضافه کردن ویژگی‌های ژنتیکی به موارد تبعیض ناروا، تحت عنوان «موارد مشابه» می‌باشند. حال با در نظر گرفتن تحلیل فوق، قانون اساسی ایران و مبانی حقوق بشری آن در این خصوص بررسی می‌شود.

به موجب اصل دوم قانون اساسی، از جمله اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران، حفظ کرامت و ارزش والای انسانی است (بند ۶) و به منظور نیل به هدف مذکور، در بند ۹ اصل سوم مقرر گردیده: «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی». لذا همانند قانون اساسی کانادا، تبعیضات ناروا و غیرقانونی، در نظام حقوقی ایران نیز ممنوع است. بند ۱۲ اصل سوم قانون اساسی، مورد دیگری از موارد اجرایی در نظام حقوقی ایران را (... برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه) ذکر می‌کند. اصول ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی نیز، اصل برابری تمام مردم در برابر قانون و برخورداری از حقوق یکسان را بیان می‌کند و بر اساس اصل ۱۹ که می‌توان گفت، تنها اصل صریح در خصوص موارد و مصادیق تبعیض ناروا در قانون اساسی است: «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود». در زمینه عدم تبعیض در اشتغال به کار، علاوه بر بند ۱۲ اصل سوم، اصل ۲۸ قانون اساسی نیز مقرر می‌دارد: «هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید».

بنابراین با در نظر گرفتن موارد فوق می‌توان بیان داشت در نظام حقوقی ایران نیز همانند کانادا، از یک سو؛ اصل بر ممنوعیت تبعیض ناروا بوده و مصادیقی از قبیل تبعیض بر اساس رنگ، نژاد و زبان از جمله موارد تبعیض ناروا می‌باشد. از سوی دیگر؛ آنچه در مورد تبعیض

1. Ontario, Projet de loi 127, Loi modifiant le Code des droits de la personne en ce qui a trait aux caractéristiques génétiques, 2e session, 40e législature .

ژنتیکی بایستی تحلیل شود این است که آیا تبعیض بر اساس ویژگی‌های ژنتیکی را می‌توان از مصادیق تبعیض ناروا شمرد یا خیر؟ معیار تبعیض ناروا در نظام حقوقی ایران چیست؟

در خصوص معیار تبعیض ناروا، ضابطه قاطع و روشنی وجود ندارد. در این خصوص بویژه می‌توان به مقاله‌نامه شماره ۱۱۱ سازمان بین‌المللی کار که دولت ایران در سال ۱۳۴۳ به آن ملحق شده است، اشاره کرد. به این صورت که از لحاظ این مقاله‌نامه، تبعیض عبارت است از: «هرگونه تفاوت، محرومیت، یا تقدم که بر پایه نژاد، رنگ پوست، جنسیت، مذهب، عقیده سیاسی یا سابقه ملیت آبا و اجداد یا طبقه اجتماعی برقرار بوده و در امور مربوط به استخدام و اشتغال، احتمال موفقیت و رعایت سلوک با کارگر را یا به کلی از میان برده و یا بدان لطمه وارد سازد». البته برابر بند ۲ ماده ۱ مقاله‌نامه فوق، «تفاوت یا محرومیت و یا حق تقدمی که بر پایه صلاحیت حرفه‌ای جهت اشتغال به حرفه معینی لازم شناخته شده باشد، تبعیض محسوب نخواهد شد» (عراقی، ۱۳۸۲: ۱۷۴ و ۱۷۵). بنابراین با توجه به مبانی مذکور، شاید بتوان گفت که همانند نظر دیوان عالی کانادا، معیار تبعیض ناروا با در نظر گرفتن «مصادیق شماره شده» در نظام حقوقی ایران، تبعیض بر اساس ویژگی شخصی «تغییرناپذیر، به سختی قابل تغییر یا قابل تغییر صرفاً با هزینه شخصی غیر قابل پذیرش و نامعقول» است. در صورت پذیرش معیار مزبور در شناسایی موارد تبعیض ناروا که عبارت «... و مانند این‌ها...»، مرقوم در اصل ۱۹ قانون اساسی جواز چنین تفسیری است، می‌توان تبعیض بر اساس ویژگی‌های ژنتیکی را نیز به موارد تبعیض ناروا و غیرقانونی، در نظام حقوقی ایران اضافه کرد. در نتیجه از منظر قانون اساسی و مبانی حقوق بشری آن در ایران نیز هر نوع محرومیت در زمینه تغذیه، مسکن، کار، بیمه، بهداشت و ... بر اساس ویژگی‌های ژنتیکی ممنوع و در زمره موارد تبعیض ناروا خواهد بود.

#### ب) قوانین مربوط به حق بر حریم خصوصی

رژیم کانادایی تنظیم‌کننده بخش زندگی خصوصی، بخشی که مربوط به جمع‌آوری، استفاده و افشای اطلاعات شخصی است، بویژه در ارتباط با سلامتی بسیار پیچیده است. قانون حمایت از اطلاعات شخصی، اسناد و مدارک الکترونیکی<sup>۱</sup>، حاکم بر پردازش اطلاعات شخصی در بخش خصوصی (به طور کلی) می‌باشد. ولی این قانون فدرال، به صورت یکنواخت در سراسر کشور اعمال نمی‌شود. در خصوص این موضوع همچنین متن‌های قانونی متفاوتی در استان‌ها نیز وجود

1. Loi sur la protection des renseignements personnels et les documents électroniques, LPRPDE.

دارد.<sup>۱</sup> برخی از این قوانین چگونگی اعمال اطلاعات شخصی را در بخش خصوصی و برخی دیگر، چگونگی اعمال این اطلاعات را در خصوص سلامتی به وسیله اشخاص یا سازمان‌هایی که آنها را نگهداری می‌کنند، تنظیم می‌کنند. برخی از این قوانین در استان مربوطه، جایگزین LPRPDE می‌شوند. در حالی که برخی دیگر می‌توانند به طور مشترک با این قانون، در استان دیگر اجرا شوند.

سازمان‌های تحت حاکمیت LPRPDE، در ابتدا بایستی رضایت شخص را برای جمع‌آوری، استفاده و تبادل (افشا) اطلاعات شخصی‌اش جلب کنند<sup>۲</sup> و بایستی به شخص دلایلی که این فعالیت‌ها را توجیه می‌کند، توضیح دهند. به این دلیل که رضایت این شخص، واقعاً روشن و صریح باشد (LPRPDE, art. 5).

به نوبه خود، کمیساریای حمایت از زندگی خصوصی کانادا بر این عقیده است؛ جهت توجیه جمع‌آوری و استفاده از اطلاعات ژنتیکی، یک شرکت تحت حاکمیت LPRPDE، بایستی نشان دهد اطلاعات ژنتیکی که در پی به دست آوردن آن است، برای «اهداف مشروع»<sup>۳</sup> استفاده خواهند شد. از آنجائیکه LPRPDE اصطلاح «اطلاعات ژنتیکی» را تعریف نمی‌کند و به طور خاص در پی بررسی این موضوع نمی‌باشد، هنوز به طور روشن مطرح نشده که آیا اطلاعات ژنتیکی در تعریف طبیعی و نرمال خود با اصطلاح «اطلاعات شخصی» در مفهومی که در بیشتر بخش‌های مقررات مربوطه وجود دارد، یکی است؟ در واقع، بیشتر قوانین مربوط به حمایت از زندگی خصوصی قبل از اینکه آزمایش‌های ژنتیکی رواج یابند، تصویب شده‌اند. در نتیجه، در این قوانین صراحتاً مفهومی از اطلاعات ژنتیکی وجود ندارد (Orr, 2004: 127 à 140).

عامل دیگری که مقررات استفاده از داده‌های ژنتیکی را پیچیده می‌کند، این نکته است؛ داده‌ها نه تنها در بردارنده اطلاعات در خصوص آزمودنی است، بلکه در خصوص اعضای خانواده وی نیز حاوی اطلاعات شخصی است. اگر یک آزمایش ژنتیکی در خصوص شخصی، نشان می‌دهد که وی زمینه و استعداد ارثی نسبت به یک بیماری خاص را دارد، این آزمایش

1. Personal Information Protection Act, S.B.C. 2003, c. 63 - Personal Information Protection Act, S.A. S.A. 2003, ch. P-6.5 - Loi sur la protection des renseignements personnels dans le secteur privé, L.R.Q., ch. P 39.1

۲. البته در برخی موارد برای اخذ رضایت و یا شیوه اخذ آن استثناهایی نیز وجود دارد. در این خصوص می‌توان گفت:

“ La LPRPDE prévoit certaines exceptions à l'exigence du consentement, notamment lorsque les renseignements personnels sont recueillis, utilisés ou communiqués dans des situations d'urgence où sont en jeu la vie, la santé ou la sécurité d'une personne, ou dans le cadre d'enquêtes ou d'activités visant à faire appliquer la loi. La liste détaillée des exceptions se trouve à l'art. 7 de la LPRPDE”.

3.A des fins légitimes.

می‌تواند نشان‌دهنده همان استعداد و زمینه بیماری در خصوص تمامی خویشاوندان وی باشد، این امر باعث طرح یک سوال بسیار مهم می‌شود:

آیا صرف اخذ رضایت شخصی که آزمایش ژنتیکی را انجام داده و این آزمایش آشکارا اطلاعات شخصی و خصوصی دیگر افراد مرتبط با آزمودنی را افشا می‌کند، کافی است؟ برخی از متخصصین پیشنهاد می‌کنند که اطلاعات ژنتیکی به عنوان «خانواده خوب» یا «عمومی»، در نظر گرفته شود و لذا رضایت شخص آزمودنی به تنهایی کافی نباشد (Lemmens et al, 2008: 15). این مشخصه خاص اطلاعات ژنتیکی، خطر پیچیده کردن تمامیت و یکپارچگی روش معمولی حمایت از اطلاعات شخصی را به دنبال دارد، روشی که معتقد است اشخاص، مالک اطلاعات شخصی خود در حدی که امکان داشته باشد، هستند. با در نظر گرفتن ضرورت تعمیق بحث ملی در خصوص این موضوع، کمیساریای حمایت از زندگی خصوصی در کانادا با متخصصان مشورت و از آنها در این خصوص تقاضای مطالعاتی را کرده است (Hoy et Durin, mars 2012: 14 - Macdonald, juillet 2011: 18). بنابراین اگر از مفهوم «اطلاعات شخصی» تعریفی به عمل آید که داده‌های ژنتیکی را نیز در برگیرد، در این حالت، قوانین مربوط به حمایت از حریم خصوصی، حفظ محرمانگی آن، اخذ رضایت شخص در جمع‌آوری، پردازش و عدم اجبار وی به افشای چنین داده‌هایی، آزمایش‌های ژنتیکی و دست‌آوردهای آن را نیز شامل می‌شود. در نتیجه ممنوعیت تبعیض ژنتیکی بر اساس قوانین مربوط به حق بر حریم شخصی توجیه می‌شود. در این خصوص بایستی منتظر برخورد و نحوه واکنش رویه قضایی کانادا بود.

در نظام حقوقی ایران، به منظور حمایت از زندگی خصوصی و اطلاعات شخصی، مقرره خاص و صریحی وجود ندارد. لیکن مطابق ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «اطبا و جراحان و ماماها و داروفروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل و حرفه خود محرم اسرار می‌شوند هرگاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشا کنند به سه ماه و یک روز تا یکسال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند». در نتیجه، ممنوعیت کیفری در افشای اسرار و اطلاعات شخصی اشخاص، بیانگر حمایت از این اطلاعات بوده که می‌توان مدعی شد از جمله آنها اطلاعات ژنتیکی افراد است. لذا بر اساس ملاک ماده مذکور، وقتی افشای اطلاعات شخصی در غیر موارد قانونی، ممنوع کیفری است، استفاده از چنین اطلاعاتی در موارد غیرقانونی به طریق اولی ممنوع است. یکی از این موارد

غیرقانونی، تبعیض بر اساس اطلاعات شخصی - ژنتیکی می‌باشد. بنابراین مستفاد از این ماده نیز می‌تواند علیه تبعیض ژنتیکی در نظام حقوقی ایران مورد استفاده قرار گیرد. مضاف بر اینکه ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز مقرر می‌دارد: «اصل، برائت است. هرگونه اقدام محدودکننده، سلب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضایی مجاز نیست و در هر صورت این اقدامات نباید به گونه‌ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند».

#### پ) قوانین بیمه

در کانادا، قراردادهای بیمه به طور معمول به وسیله قوانین استانی اداره می‌شوند. اگرچه کدهای استان‌ها در خصوص حقوق بشر، در موارد خاصی برخی حمایت‌ها در مقابل تبعیض ژنتیکی ارائه می‌دهند، با این حال کدها استثناهای صریح و مهمی را در بردارند که به ارائه‌دهندگان بیمه اتومبیل، بیمه عمر، بیمه خسارت‌های بدنی، بیمه درمانی یا بیمه ناتوانی برقرار شده بر اساس تفاوت‌های سنی، جنسی، وضعیت تأهل، موقعیت خانوادگی یا معلولیت ذهنی و یا فیزیکی (code des droits de la perssone, art 22 et 25) اجازه تبعیض می‌دهد، به شرط این که تفاوت‌ها در موارد «توجیه‌پذیر بر اساس روش‌های منطقی و با حسن نیت» مطرح شوند. به عبارت دیگر، این تفاوت‌ها بر اساس توانایی‌های عملی و به رسمیت شناخته شده در زمینه بیمه باشند و راه حل عملی دیگر که تبعیض‌آمیز هم نباشد، وجود نداشته باشد.

بر اساس قانون اساسی کانادا و تفسیر قضایی آن، تنظیم قراردادهای بیمه و مقررات ناظر بر آن، در صلاحیت استان‌ها در نظر گرفته می‌شود. برای شرکت‌های بیمه تشکیل شده تحت یک قانون فدرال، قانون اصلی که فعالیت‌هایشان را تنظیم می‌کند، قانون شرکت‌های بیمه می‌باشد.<sup>۱</sup> دولت فدرال در تنظیم مقررات بیمه‌ای کانادا، دارای یکسری نقش و صلاحیت می‌باشد لیکن این دولت به طور کلی فعالیت‌های خود را به نظارت بر بانک‌ها، شرکت‌های ارائه‌دهنده سیاست‌ها و خدمات بیمه‌ای محدود می‌کند. در همین راستا پارلمان فدرال می‌تواند از توانایی‌های خودش در ارتباط با تجارت تحت پاراگراف (۲) ۹۱ از قانون اساسی ۱۸۶۷ برای تصویب قوانین در خصوص قراردادهای بیمه‌ای و قراردادهای تجاری؛ یا از توانایی‌های خود تحت پاراگراف (۲۷) ۹۱ برای تصویب قوانین جزائی، استفاده کند.

1. La Loi sur les sociétés d'assurances (LSA).

بنابراین قواعد مرتبط با سیاست‌ها و قراردادهای بیمه به طور کلی در قوانین استان‌ها نمایان می‌شود. برای مثال، قانون بیمه/انتاریو (Ontario) یک تعهد کلی برای متقاضیان بیمه‌ای ایجاد می‌کند که بایستی «تمامی حقایقی که از آن اطلاع دارند و برای بیمه، اساسی و مهم می‌باشد» و بر اساس آزمایش پزشکی به دست آمده، اطلاع دهند. در حال حاضر، قوانین استان‌ها هیچگونه مقرراتی را در خصوص تبعیض ژنتیکی در بر ندارند.

در نظام حقوقی ایران مقررات عمومی مرتبط با بیمه و اشتغال، که بتوان از آنها در مورد تبعیض ژنتیکی استخراج قاعده به عمل آورد بر این اساس است:

**الف) بیمه:** در خصوص بیمه، علاوه بر بند ۱۲ اصل سوم قانون اساسی که بیان شد، مطابق اصل ۲۹ این قانون: «برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره، حق است همگانی. دولت موظف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یکایک افراد کشور تأمین کند». ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۵ نیز مقرر می‌دارد: «بیمه گر مکلف است در ایفای تعهدات مندرج در این قانون خسارت وارده به زیان‌دیدگان را بدون لحاظ جنسیت و دین تا سقف تعهدات بیمه‌نامه پرداخت کند...». در نتیجه بر اساس مقررات مذکور، بیمه و برخورداری از تأمینات بیمه‌ای، حقی همگانی بوده و در برقراری و استفاده از آن، اعمال تبعیض (حداقل به لحاظ جنسیت و مذهب) منع شده است (ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری). لیکن همانطور که در تفسیر مقررات کانادا در خصوص استفاده از ویژگی‌های ژنتیکی بیمه‌گذاران در انعقاد و ادامه قرارداد بیمه بیان شد، از جمله مواردی که احتمال اعمال تبعیض ژنتیکی وجود داشته، اجبار متقاضیان بیمه به انجام آزمایشات ژنتیکی یا افشا نتایج آزمایشات انجام شده قبلی بوده است. بنابراین طبق مقررات دیگر نظام‌های حقوقی، آنجاییکه متقاضی برای به دست آوردن قرارداد بیمه، ناگزیر از انجام آزمایش ژنتیکی یا اعلام نتیجه آزمایش قبلی می‌شود و این نتایج در انعقاد و میزان حق بیمه پرداختی موثر است، در واقع در برخورداری از بیمه، تبعیض ژنتیکی رخ داده است (عباسی و حیدری و صفری علی قیارلو، ۱۳۹۵: ۶۲).

با توجه به مطالب مذکور توجه به دو ماده ۱۲ و ۱۳ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ مهم می‌نماید.



ماده ۱۲ قانون بیمه اشعار می‌دارد: «هرگاه بیمه‌گذار عمداً از اظهار مطالبی خودداری کند یا عمداً اظهارات کاذبه بنماید و مطالب اظهار نشده یا اظهارات کاذبه طوری باشد که موضوع خطر را تغییر داده یا از اهمیت آن در نظر بیمه‌گر بکاهد عقد بیمه باطل خواهد بود، حتی اگر مراتب مذکور تأثیری در وقوع حادثه نداشته باشد. در این صورت نه فقط وجوهی که بیمه‌گذار پرداخته است قابل استرداد نیست بلکه بیمه‌گر حق دارد اقساط بیمه را که تا آن تاریخ عقب افتاده است نیز از بیمه‌گذار مطالبه کند». بر اساس ماده ۱۳ قانون اخیر نیز: «اگر خودداری از اظهار مطالبی یا اظهارات خلاف واقع از روی عمد نباشد عقد بیمه باطل نمی‌شود، در این صورت هرگاه مطالب اظهار نشده یا اظهار خلاف واقع قبل از وقوع حادثه معلوم شود بیمه‌گر حق دارد یا اضافه حق بیمه را از بیمه‌گذار در صورت رضایت او دریافت داشته قرارداد را ابقا کند و یا قرارداد بیمه را فسخ کند. در صورت فسخ، بیمه‌گر باید مراتب را به موجب اظهارنامه یا نامه سفارشی دو قبضه به بیمه‌گذار اطلاع دهد. اثر فسخ ده روز پس از ابلاغ مراتب به بیمه‌گذار شروع می‌شود و بیمه‌گر باید اضافه حق بیمه دریافتی تا تاریخ فسخ را به بیمه‌گذار مسترد دارد. در صورتی که مطالب اظهار نشده یا اظهار خلاف واقع بعد از وقوع حادثه معلوم شود خسارت به نسبت وجه بیمه پرداختی و وجهی که بایستی در صورت اظهار خطر به طور کامل و واقع پرداخته شده باشد تقلیل خواهد یافت». مستنبط از مواد ۱۲ و ۱۳ مذکور، در خصوص ویژگی‌های ژنتیکی بیمه‌گذاران بویژه در بیمه درمانی و عمر، این خواهد بود که اگر بیمه‌گذار در زمان تقاضای انعقاد قرارداد بیمه، از اعلام نتایج آزمایشات ژنتیکی قبلی که موید استعداد نامبرده در ابتلا به یک بیماری خاص ژنتیکی که هزینه زیادی را در پی خواهد داشت، باشد یا اینکه مشخص کند در صورت ابتلا به بیماری خاصی، خطر و هزینه درمان در چنین شخصی به دلیل ویژگی ژنتیکی بسیار بیشتر از سایرین است، امتناع کند؛ مطابق ماده ۱۲ قانون بیمه، در صورت عمدی بودن امتناع از افشاء، این امر موجب بطلان قرارداد خواهد بود و اگر عدم اظهار ناشی از سهل‌انگاری متقاضی و غیر عمد بوده و هنوز خطر موضوع قرارداد واقع نشده باشد، بیمه‌گر حق دارد یا با توافق بیمه‌گذار و دریافت مابه‌التفاوت حق بیمه، قرارداد را ابقا یا اینکه آن را با تشریفات مرقوم در ماده ۱۳ فسخ کند و اگر در چنین حالتی (عدم اظهار غیر عمدی) اطلاع بیمه‌گر از وجود چنین ویژگی‌ای بعد از وقوع خطر موضوع عقد بیمه باشد، خسارت پرداختی از طرف بیمه‌گر به نسبت ویژگی مزبور تقلیل خواهد یافت. همانطور که ملاحظه می‌شود، مجوز موجود در مواد ۱۲ و ۱۳ قانون بیمه با تفسیری که بیان

شد، به راحتی راه را برای اعمال تبعیض ژنتیکی در یکی از مهم‌ترین و شایع‌ترین موارد آن یعنی انعقاد قرارداد بیمه در نظام حقوقی ایران، می‌گشاید. به این صورت که با تحلیل فوق، بیمه‌گران می‌توانند به راحتی از متقاضیان، انجام آزمایشات ژنتیکی یا اعلام نتایج آزمایشات قبلی را تقاضا کرده و حتی بدون هیچگونه نگرانی در فرض عدم اعلام نتایج یا عدم اقدام به آزمایش، عملاً با توجه به ویژگی‌های ژنتیکی بیمه‌گذاران، با توسل به بطلان و یا فسخ قرارداد بیمه‌ای یا جبران تنها بخشی از خسارات وارده، اعمال تبعیض نمایند. موردی که شاید به هیچ‌وجه مدنظر مقنن زمان تصویب، این قانون نبوده است. لذا در مقام ممانعت از اعمال چنین تبعیضی، به نظر می‌رسد بایستی به عموماًت قانون اساسی توسل جست. به این صورت که بر اساس بند ۱۲ اصل سوم، اصول نوزدهم و بیستم قانون اساسی و توجهاً به اصل هفتاد و دوم این قانون، اعمال تبعیض در برخورداری از حقوق همگانی که از آن جمله حق برخورداری از بیمه می‌باشد، تحت هر عنوانی که قرار بگیرد ممنوع بوده و در نتیجه تفسیری که ملازم با برخورد قانون عادی با اصول قانون اساسی باشد نیز به طریق اولی ممنوع خواهد بود. بنابراین مواد ۱۲ و ۱۳ قانون بیمه باید به گونه‌ای تفسیر شوند که چنین برخوردی با اصول مذکور نداشته باشند.

**ب) اشتغال:** در خصوص اشتغال و نقش ویژگی‌های ژنتیکی در آن، در نظام حقوقی ایران بویژه توجه به مقررات ذیل ضروری می‌باشد. مطابق اصل ۲۸ قانون اساسی: «هرکس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید». بنابراین در نظام حقوقی ایران، حق اشتغال از جمله حقوق اساسی بوده که همگان در برخورداری از آن مساوی هستند (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۸۰: ۱۷۰).

اولین مقرر، ماده ۶ قانون کار می‌باشد. مطابق ماده مرقوم: «بر اساس بند ۴ اصل چهل و سوم و بند ۶ اصل دوم و اصول نوزدهم، بیستم و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اجبار افراد به کار معین و بهره‌کشی از دیگران ممنوع و مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود و همه افراد اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و هرکس حق دارد شغلی را که به آن مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند». ماده ۳۸ نیز اشعار

می‌دارد: «برای انجام کار مساوی که در شرایط مساوی در یک کارگاه انجام می‌گیرد باید به زن و مرد مزد مساوی پرداخت شود. تبعیض در تعیین میزان مزد بر اساس سن، جنس، نژاد، قومیت و اعتقادات سیاسی و مذهبی ممنوع است». بر اساس تبصره ۲ ماده ۴۱ همین قانون، شورای عالی کار در تعیین حداقل دستمزد سالانه بایستی: «حداقل مزد بدون آنکه مشخصات جسمی و روحی کارگران و ویژگی‌های کار محول شده را مورد توجه قرار دهد باید به اندازه‌ای باشد تا زندگی یک خانواده، که تعداد متوسط آن توسط مراجع رسمی اعلام می‌شود را تأمین نماید». در نتیجه منطبق با اصل ۲۸ قانون اساسی، از یک سو مطابق ماده ۶ قانون کار، تبعیض در برخورداری از شغل معین و مطابق تبصره ۲ ماده ۴۱ و ماده ۳۸ همین قانون، تبعیض در میزان مزد و حق‌السعی؛ تحت هر عنوانی از جمله ویژگی‌های ژنتیکی، از موارد تبعیض غیرقانونی بوده و لذا ممنوع است (عراقی، ۱۳۸۲: ۱۷۴). مجوز چنین تحلیلی علاوه بر اصول مندرج در قانون اساسی، استفاده از عبارت «... مانند این‌ها...» در ماده ۶ قانون کار است.

با این وجود در همین قانون مواردی از تبعیض قانونی نیز به چشم می‌خورد. مانند مواد ۷۵، ۷۹، ۸۲ و ۸۳. به این صورت که ماده ۷۵ مقرر می‌دارد: «انجام کارهای خطرناک، سخت و زیان‌آور و نیز حمل بار بیش از حد مجاز با دست و بدون استفاده از وسایل مکانیکی، برای کارگران زن ممنوع است. دستورالعمل و تعیین نوع و میزان این قبیل موارد با پیشنهاد شورای عالی کار به تصویب وزیر کار و امور اجتماعی خواهد رسید». ماده ۷۹ نیز مقرر می‌دارد: «به کارگماردن افراد کمتر از پانزده سال تمام ممنوع است». ماده ۸۲ نیز بیان می‌کند: «ساعات کار روزانه کارگر نوجوان، نیم ساعت کمتر از ساعت کار معمولی کارگران است. ترتیب استفاده از این امتیاز با توافق کارگر و کارفرما تعیین خواهد شد». از توجه به مقررات مذکور که از جمله موارد تبعیض قانونی نامیده شد، مشخص می‌شود که چنین تبعیضی بر اساس مقتضیات اجتماعی بوده و نه تنها ناروا نیست بلکه در قانونی بودن آن نباید تردید کرد.

مورد دیگری که تحلیل آن در خصوص تبعیض ژنتیکی بسیار مهم می‌باشد، ماده ۸۰ قانون کار و الزام به انجام آزمایش قبل از کار است. بر اساس این ماده: «کارگری که سنش بین پانزده تا هجده سال تمام باشد، کارگر نوجوان نامیده می‌شود و در بدو استخدام باید توسط سازمان تأمین اجتماعی مورد آزمایش‌های پزشکی قرار گیرد». طبق ماده ۸۱ نیز این آزمایش‌ها بایستی حداقل سالی یک‌بار تجدید شود و «... پزشک درباره تناسب نوع کار با توانایی کارگر نوجوان اظهار

نظر می‌کند و چنانچه کار مربوط را نامناسب بداند کارفرما مکلف است در حدود امکانات خود شغل کارگر را تغییر دهد». در نتیجه به تجویز ماده ۸۰ قانون کار، حداقل نسبت به طیف خاصی از کارگران، یعنی کارگران نوجوان که می‌توان گفت قسمت وسیعی از کارگران را تشکیل می‌دهند، کارفرما می‌تواند الزام به آزمایش پزشکی قبل از استخدام کند و بالتبع پس از انجام چنین آزمایشی و اطلاع از نتیجه آن، به انحای مختلف می‌تواند از استخدام متقاضی امتناع کند. لیکن جهت برخورد با چنین تبعیضی می‌توان گفت بر اساس ماده ۸۱ و همچنین ملاک ماده ۹۲ قانون کار، مبنای چنین آزمایش‌هایی حمایت از شخص کارگر است نه ابزاری در دست کارفرما. چه اینکه ماده اخیر مقرر می‌دارد اگر به تشخیص پزشک، کار مورد نظر متناسب با توانایی کارگر نوجوان نباشد، کارفرما در حدود توانایی خود، مکلف به تغییر شغل کارگر به نوعی که با توانایی‌های وی متناسب باشد، است. در نتیجه تفسیر ماده ۸۰ به نوعی که متضمن تبعیض از جمله تبعیض ژنتیکی باشد، خلاف منطوق و مبنای تصویب آن خواهد بود و اثری ندارد.

#### ۴. نتیجه‌گیری

ژنوم و اطلاعات ژنتیکی، همانطور که در پزشکی شخصی، درمان سریع، اقتصادی و حتی می‌توان ادعا کرد، در پیشگیری از ابتلا به بیماری، نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند؛ به همان اندازه نیز تبدیل به عاملی در جهت اعمال تبعیض شده است. بویژه اینکه ارائه‌دهندگان خدمات بیمه‌ای و کارفرمایان با استفاده از قدرت و موقعیت برتری که دارند، متقاضیان را اجبار به آزمایش ژنتیکی یا ارائه نتایج آزمایش‌های ژنتیکی قبلی کرده و بر اساس داده‌های به دست آمده، از انعقاد قرارداد با متقاضی، امتناع و یا با شرایط و ضوابط خاصی حاضر به ارائه خدمات می‌شوند. همین امر و توجه به نتایج زیان‌بار اعمال این شکل از تبعیض؛ تلاش جوامع، نهادهای مرتبط و نظریه‌پردازان را در جهت مقابله با آن در پی داشته است که به منظور نیل به این مهم، برخی از کشورها با تصویب مقررات خاص، صریحاً تبعیض ژنتیکی را به‌عنوان نمونه‌ای از تبعیض ناروا، منع و با پیش‌بینی

۱. ماده ۹۲ قانون کار: «کلیه واحدهای موضوع ماده ۸۵ این قانون که شاغلین در آنها به اقتضای نوع کار در معرض بروز بیماری‌های ناشی از کار قرار دارند، باید برای همه افراد مذکور پرونده پزشکی تشکیل دهند و حداقل سالی یکبار توسط مراکز بهداشتی - درمانی از آنها معاینه و آزمایش‌های لازم را به عمل آورند و نتیجه را در پرونده مربوط ضبط نمایند. تبصره ۱: چنانچه با تشخیص شورای پزشکی نظر داده شود که فرد معاینه شده به بیماری ناشی از کار مبتلا یا در معرض ابتلا باشد، کارفرما و مسئولین مربوطه مکلفند کار او را بر اساس نظریه شورای پزشکی مذکور بدون کاهش حق‌السعی، در قسمت مناسب دیگری تعیین نمایند...»

ضمانت اجراهای حقوقی و کیفری در جهت مقابله با آن برآمده‌اند. برخی دیگر از کشورها نیز اگرچه استفاده از داده‌های ژنتیکی را به عنوان عاملی موثر در ارائه خدمات اشتغال و بیمه، به طور کلی منع نمی‌کنند لیکن با تمهیداتی؛ استفاده از آن را محدود کرده‌اند، به نحوی که کارفرمایان و بیمه‌گران نمی‌توانند خارج از چارچوب معین شده عمل کنند. دسته سوم، کشورهایی هستند که نه تنها مقرره خاصی در این خصوص ندارند بلکه اساساً در حوزه داده‌های ژنتیک، فاقد قواعد قابل اجرا می‌باشند. مانند نظام حقوقی کانادا و ایران. در چنین نظام‌هایی نظریه پردازان با توجه به اصول کلی حقوقی مبنی بر ممنوعیت اعمال تبعیض در زمینه داده‌های ژنتیکی که در قوانین اساسی، کار و بیمه وجود دارد، با اعمال تبعیض در این مورد به عنوان مصداقی از موارد تبعیض ناروا مقابله می‌کنند. در نتیجه، چون در نظام حقوقی ایران در خصوص داده‌های ژنتیکی و اعمال تبعیض بر اساس آن مقرره خاصی وجود ندارد، تا زمان تصویب قانون لازم در این حوزه (که روز به روز بر شدت نیاز به تصویب آن اضافه می‌شود)، با نگاه تطبیقی به نظام حقوقی کانادا و بر اساس اصول کلی حقوقی که در قانون اساسی و قوانین کار و بیمه جمهوری اسلامی ایران وجود دارد، تبعیض ژنتیکی می‌بایست از جمله موارد تبعیض ناروا تلقی شده و بنابراین ممنوع به شمار آید.

## منابع

### الف - فارسی

#### کتابها

- عراقی، عزت الله، (۱۳۸۲)، *حقوق کار*، چاپ دوم، تهران: سمت.
- قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل، (۱۳۸۰)، *بایسته‌های حقوق اساسی*، چاپ ششم، تهران: نشر دادگستر.
- جمعی از نویسندگان، (۱۳۸۴)، *اخلاق زیستی (بیواتیک) از منظر حقوقی، فلسفی و علمی*، مجموعه مقالات، تهران: انتشارات سمت.

#### پایان نامه

- نظری، وحید، (۱۳۹۵)، *مبانی اخلاقی و حقوقی داده‌های ژنتیکی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی تهران.

#### مقاله

- عباسی، محمود و حیدری، بهاره و صفری علی قیارلو، هاجر، (۱۳۹۵)، «تلاش‌های بین‌المللی جهت جلوگیری از تبعیض ژنتیکی»، *فصلنامه حقوق پزشکی*، سال دهم، شماره ۳۷.

### ب - انگلیسی

#### Articles

- Elizabeth A, Adjin-Tettey, (2013), "Potential for Genetic Discrimination in Access to Insurance: Is there a Dark Side to Increased Availability of Genetic Information?", *Alberta Law Review*, vol. 50, no 3. Available at: [http://www.papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract\\_id=2354101](http://www.papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=2354101). Dernière voir: mai 2016.
- Finkler, Lilith et al, (2013), "Understanding the Use of 'Genetic Predisposition' in Canadian Legal Decisions", *McGill Journal of Law and Health*, Vol. 7, No 1, Available at: [http://www.papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract\\_id=2457019](http://www.papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=2457019). Dernière voir: mai 2016.
- Hall, Joseph, (9 juin 2009), "Study Finds Genetic Discrimination by Insurance Firms", *The Toronto Star*, Available at: [http://www.thestar.com/life/health\\_wellness/2009/06/09/study\\_finds\\_genetic\\_discrimination\\_by\\_insurance\\_](http://www.thestar.com/life/health_wellness/2009/06/09/study_finds_genetic_discrimination_by_insurance_)

firms.html, Dernière voir: mai 2016.

- Joly, Yann, (10 décembre 2012), "Do we Need Legislation to Protect Canadians' Genetic Rights? The no Side", The Globe and Mail, Available at: <http://www.theglobeandmail.com/news/national/time-to-lead/do-we-need-legislation-to-protect-canadians-genetic-rights-the-no-side/article6188019/>, Dernière voir: mai 2016.

- Joly, Yann, Braker, Maria et Le Huynh, Michael, (2010), "Genetic Discrimination in Private Insurance: Global Perspectives", New Genetics and Society, Vol. 29, No 4. Available at: <http://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/14636778.2010.528189#>, Dernière voir: mai 2016.

- Lemmens, Trudo, (2003), "Genetics and Insurance Discrimination: Comparative Legislative, Regulatory and Policy Development and Canadian Options", Health Law Journal. Available at: [http://www.papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract\\_id=495404](http://www.papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=495404). Dernière voir: mai 2016.

- Lemmens, Trudo, Pullman, Daryl and Rodal, Rebecca, (15 juin 2010), "Revisiting Genetic Discrimination Issues in 2010: Policy Options for Canada", GPS Policy Brief, No 2. Available at: <http://www.ssrn.com/abstract=1722368>, Dernière voir: mai 2016.

- Lemmens, Trudo, Luther, Lori et Hoy, Michael, (15 juillet 2008), "Genetic Information Access, a Legal Perspective: A Duty to Know or a Right not to Know, and a Duty or Option to Warn", Encyclopaedia of Life Sciences, John Wiley & Sons Ltd, Chichester.

- Meyers, Bev Heim, (10 décembre 2012), "Do we need Legislation to Protect Canadians' Genetic Rights? The yes Side", The Globe and Mail, accessible en: <http://www.theglobeandmail.com/news/national/time-to-lead/do-we-need-legislation-to-protect-canadians-genetic-rights-the-yes-side/article6188021/>, Dernière voir: mai 2016.

- Orr, Stephen, (novembre 2004), "Privacy of Genetic Information in Canada: A Brief Examination of the Legal and Ethical Tools That Should Frame Canada's Regulatory Response", *Canadian Journal of Law and Technology*, Vol. 3, No 3.

- Reitz, Stephanie et S. Malan, Douglas, (3 mai 2010), "Genetic Tests Spark New Type of Litigation", Connecticut Law Tribune, Available at: <http://www.ctlawtribune.com/id=1202557005219/genetic-tests-spark-new-type-of-litigation?slreturn=20140814203414>, Dernière voir: mai 2016.

- Schmitz, Dagmar and Wiesing, Urban, (2006), "Just a Family Medical History?", Available at: <http://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/pmc1360409/>,

Derniere voir: mai 2016.

- Somek , Alexander, (septembre/octobre 2003), “Genetic Discrimination“, *Society*, Vol. 40, No. 6.

پ- فرانسه

**Des articles:**

- Bombard, Yvonne et Cohn, Ronald.(2 octobre 2014)." Sénat, Comité permanent des droits de la personne", Témoignages, Available at: [http:// www. patl. gc. ca/ content/ sen/ committee/ 412/ridr/11ev51620e.htm?language=e&parl=41 &ses= 2&comm\\_id=77](http://www.patl.gc.ca/content/sen/committee/412/ridr/11ev51620e.htm?language=e&parl=41&ses=2&comm_id=77), Derniere voir: mai 2016.

- Hoy, Michael et Durnin, Maureen, (mars 2012), “Répercussions économiques possibles sur l’assurance de personnes de l’interdiction d’utiliser les renseignements génétiques”, Available at: [http:// www. priv. gc.ca/ information/ research-recherche/2012/gi\\_intro\\_f.asp](http://www.priv.gc.ca/information/research-recherche/2012/gi_intro_f.asp)).Derniere voir: mai 2016.

- Macdonald, Angus, (juillet 2011), “Pertinence actuarielle des renseignements génétiques dans le contexte de l’assurance des personnes”, Available at: [http:// www. priv. gc. ca/ information/ research-recherche/2012/gi\\_intro\\_f.asp](http://www.priv.gc.ca/information/research-recherche/2012/gi_intro_f.asp)).Derniere voir: mai 2016.